

## مخدوش شدن چهره عیسی از نگاه مسیحیت



وقتی یک مسیحی به این باور برسد که حضرت مسیح که خدای متجسم است ، خود از ریشه ای ناپاک و از اولاد حرام است ( نعوذ بالله )

آن زمان است که مسیحیان بپذیرند که مسیح که برترین شخصیت عالم است دروغ می گوید !

زمانی که بخوانند که مسیح با وجود تمام شخصیت والائی که دارد به مادر خویش بی احترامی می کند ! بدزبان است و از دادن دشنام هیچ ابائی ندارد ! شراب می

سازد ! میگساری می کند و ...

دیگر هرگز وجود این رذائل را در رهبران خود امری غیر عادی نمی دانند و به راحتی سر به فرمان رهبران فاسد می گذارند .

مسیح انجیلا :

عیسی ؛ از نسلی ناپاک !

و یهودا زنی مسمّی به تمار برای نخست زاده خود غیر گرفت... چون یهودا او را بدید، وی را فاحشه پنداشت زیرا که روی خود را پوشیده بود، پس از راه به سوی او میل

کرده گفت: بیا تا به تو در آیم، زیرا ندانست که عروس اوست... و چون وقت وضع حملش رسید اینک توأمان در رحمش بودند... پس او را فارص نام نهاد ( پیدایش 38 : 6 -

29 )

مطابق انجیل متی عیسی ، سلیمان و داود همگی از نسل فارص ولد الزنا بوده اند !! (متی 1 : 3 - 16 )

البته این نسبت ناروا به اینجا ختم نمی شود بلکه از طریق دیگری نیز نسب مسیح به زنا می رسد ( نعوذ بالله ) :

در سفر پیدایش 19 : 30 - 28 آمده است که دو دختر لوط به او شراب نوشانیدند و در حال مستی با او خوابیدند و از او حامله شدند و آن بزرگ پسری زاییده او را موآب

نام نهاد و او تا امروز پدر موآبیان است و کوچک نیز پسری براد و او را بن عمّی نام نهاد. وی تا به حال پدر بنی عمون است . پیدایش 19 : 37 - 38

بدون شک داود سلیمان و عیسی از موآبیان بوده اند زیرا راعوث ( که به او روت هم می گویند ) متی 1 : 5 و راعوث هم که جدی داود است موآبیه بوده است . سفر

روت 1 : 4

گذشته از این عیسی از عمونیان نیز هست زیرا رجبعام ابن سلیمان از اجداد عیسی است متی 1 : 7 و مادر رجبعام عمونی بوده است . اول پادشاهان 14 : 2

صرف نظر از این دو شجره ی ناپاک باید دانست که مادر سلیمان نیز زنی بوده که به نامشروع با داود همبستر شد ! و بعدها با حیلۀ ی داود نبی ، شوهرش را از بین

بردند و داود او را به همسری خویش در آورد و حضرت مسیح از نسل همین زن است !!! ( دوم سموئیل 11 : 2 - 27 )

عیسی مسیح دروغ می گوید !

« و بعد از آن عیسی در جلیل می گشت زیرا نمی خواست در یهودیه راه رود چونکه یهودیان قصد قتل او می داشتند و عید یهود که عید خیمه ها باشد نزدیک بود پس

برادرانش بدو گفتند از اینجا روانه شده به یهودیه برو تا شاگردانت نیز آن اعمالی را که تو می کنی را ببینند زیرا هر که می خواهد آشکار شود در پنهانی کار نمی کند

پس اگر این کارها را می کنی خود را به جهان بنما آنگاه عیسی بدیشان گفت وقت من هنوز نرسیده .... شما برای این عید بروید من حال به این عید نمی آیم زیرا که

وقت من هنوز تمام نشده است ... لکن چون برادرانش برای عید رفته بودند او نیز آمد ، نه آشکار بلکه در خفا »

مطابق این آیات مسیح ، به برادرانش گفت شما بروید اما من نمی آیم ولی پس از آنکه آنها رفتند خود مخفیانه به آنجا رفت .

البته ترجمه های فارسی با اضافه کردن کلمه ی ( الآن ) یا مثل آن سعی کرده اند راهی برای رهایی از این اشکال بیابند اما در متن انجیل اصلاً چنین نیست و به وضوح

آمده که مسیح گفت من در این عید نخواهم آمد ( اگر چه عبارت کاملاً واضح است : مسیح می گوید وقت من فرانسیده و به این عید نمی آیم ولی مخفیانه می رود

اما مترجمین که سعی در پوشاندن این اشکالات هستند به ترجمه ها دست می برند و با اینکه این عبارت کاملاً روشن است اما با این وجود سعی کرده اند با اضافه

کردن کلمه ی حال این مطلب را القاء کنند که مسیح می گوید من الآن نمی آیم با اینکه متن کاملاً روشن است و مسیح می گوید من در این عید نمی آیم و به همین

جهت شاگردان روانه می شوند و الا بدون شک در انتظار مسیح می ایستادند ولی آنها از کلام مسیح همین را فهمیدند که او بنا ندارد بیاید

به ترجمه های انگلیسی مراجعه کردم و دقیقاً به همین نکته رسیدم

در ترجمه ی قدیمی American Standard Version 1901 عبارت چنین است :

Go ye up unto the feast: I go not up unto this feast; because my time is not yet fulfilled

و به روشنی می گوید من در این عید نخواهم آمد

در ترجمه ی Amplified Bible 1954 کم کم به فکر اصلاح عبارت افتاده اند و کلمه ی yet را درون پرانتز قرار داده اند تا این اشکال را به نحوی کم رنگ کنند

Go to the Feast yourselves. I am not [yet] going up to the Festival, because My time is not ripe

اما در ترجمه های اخیر خیال خود را راحت کرده اند و کلمه ی yet را در خود متن گنجانده اند

You go to the Feast. I am not yet going up to this Feast New International Version

البته به هر صورت معنی واضح است و بدون شک کلام مسیح این بوده که من در این عید نمی آیم و به همین دلیل شاگردان به گمان اینکه مسیح نمی آید روانه شدند و مسیح مخفیانه رفت {

مسیح و احترام به مادر !

در عهد عتیق سفارش زیادی به احترام پدر و مادر شده است ، در تثیبه 27 : 16 آمده است « ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید »

اما وقتی به انجیلها مراجعه می کنیم اثری از این احترام به مادر را نمی بینیم بلکه : در انجیل متی 12 : 47 – 50 آمده است « و شخصی وی را گفت اینک مادر تو و برادرانت بیرون ایستاده می خواهند با تو سخن گویند در جواب قایل گفت : کیست مادر من ! و برادران من کیانند ؟ ودست خود را به سوی شاگردان خود دراز کرده گفت اینانند مادر من و برادرانم زیرا هر که اراده ی پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است »

آیا براستی مسیح در مورد مادر خود که از زنان برگزیده ی روزگار بوده چنین سخن می راند . ممکن است بگویم این کار عیسی مسیح برای تعلیم این حقیقت بوده که برادری در راه دین بر نسبتهای خانوادگی برتری دارد ولی حقیقت این است که هرگز نمی توان قبول کرد که مسیح به خاطر تعلیم این آموزه مادر خود را خوار کند . و آیا براستی مادر مسیح جزو کسانی نبود که اراده ی پدر آسمانی را به جا آورد ؟

البته داستان بی احترامی مسیح به مادر خویش به اینجا نیز ختم نمی شود

در یوحنا 2 : 3 – 4 آمده است « و چون شراب تمام شد مادر مسیح بدو گفت شراب ندارند . عیسی به وی گفت : ای زن مرا با تو چه کار است ! »

در کمال تعجب بجای اینکه عیسی که خود مردی کامل است و باید بیش از همگان به مادر احترام بگذارد در مقابل دیگران با بی احترامی و خفت از واژه ی ای زن برای مادر خود استفاده می کند !

آیا افراد عادی با مادر خود چنین رفتار می کنند ؟ که مسیح که باید خود اسوه ی برای اخلاق باشد چنین مادر خود را خوار و خفیف می کند .

دشنام به اطرافیان

از دیگر تهمتیهایی که انجیلها بر حضرت مسیح وارد می کنند برخوردهای غیر منطقی و بی احترامی به این و آن است :

در انجیل متی آمده است که زنی یونانی برای گرفتن شفای دختر خویش پیش حضرت مسیح آمد اما عیسی بجای دلداری او در جوابش چنین گفت :

بگذار اول فرزندان سیر شوند زیرا نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن نیکو نیست ! ( مرقس 7 : 27 )

آری مسیح فقط و فقط به این خاطر که آن زن از بنی اسرائیل نبوده و یونانی بوده است او را سگ می خواند و در مقابل بنی اسرائیل را فرزند خود می نامد !

پاسخ دوست عزیز مسیحی به این اشکال :

دوست عزیز « آشنای دیرین » پاسخ داده اند : « مسیح با این کار که به ظاهر توبیخ و یا حتی تحقیر بوده خواسته تا آن زن ایمان خود را بر دیگران آشکار سازد و در حقیقت این درسی برای سایرین باشد «به عقیده ی من این پاسخ ، توجیه مناسبی است و من این جواب رو می پذیرم . با این حال تامل در این مورد رو به دوستان واگذار می کنم .

مسیح در جای دیگر حتی به پطرس که بزرگترین حواری خویش شمرده می شود نیز بدترین بی احترامیها را می کند

در انجیل متی آمده است که مسیح به یکباره بر پطرس خشمگین شد و به او گفت : دور شو از من ای شیطان ! زیرا که باعث لغزش من می باشی ! ( متی 16 : 23 ) عجیب است که بدانید پطرس بزرگترین حواری مسیح است و حتی مسیح پیش از این او را به عنوان نایب خود معرفی کرده بود و او را سنگ بنای مسیحیت معرفی کرده بود :

« و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت » متی 16 : 18

عیسی مسیح ، ملعون خوانده شده است !

یکی از عجیب ترین تعالیم کتاب مقدس ملعون بودن حضرت مسیح است !!

پولس که پیشتر از این به نقش وی در تحریف مسیحیت اشاره کرده بودیم در عبارتی عجیب ادعا می کند که مسیح بجای گناهان ما کشته شد و به صلیب کشیده شد و به همین خاطر ملعون است !!

متن عبارت پولس چنین است :

مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار اویخته شود .

پولس با این جمله اشاره به مطلبی در تورات می کند

در سفر تثیبه باب 21 آیه ی 22 – 23 آمده است : و اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است کرده باشد و کشته شود و او را به دار کشیده باشی بدنش در شب بر دار نماند او را البته در همان روز دفن کن زیرا آنکه بر دار اویخته شود ملعون خداست تا زمینی را که یهوه خدایت تو را به ملکیت می دهد نجس نسازد .

بدون شک این عبارات مربوط به کسی است که مرتکب گناهی شده باشد و بندگان صالح خدا او را به خاطر آن گناه که موجب مرگ بوده بردار بیاورند نه در مورد پیامبری که توسط پادشاهی ظالم و ستمگر به صلیب کشیده شد.

نکته ی دیگر اینکه اگر بخواهیم این آیه را بر حضرت مسیح تطبیق دهیم به مشکلی دیگر بر می خوریم : مطابق دستور این آیه باید کسی را که بر دار کشیده شده در همان روز دفن کرد و شب بر دار نماند تا زمین را نجس نسازد !

حال این سوال پیش می آید که آیا اگر مسیح در شب بر دار می ماند زمین خداوند را نجس می کرد؟!!!

عیسی مسیح شرابخواری می کند و به این هم اکتفا نمی کند بلکه برای میهمانان معجزه می کند و برایشان شراب می سازد !!!

بدون شک هر وجدان بیداری حتی اگر شراب را حرام نشمارد با این حال براحتی می تواند دریابد که نوشیدن آن از شان یک مبلغ دینی بدور است تا چه رسد به یک پیامبر

البته در کتاب مقدس هم اگر چه نوشیدن شراب حرام اعلام نشده اما با این حال بارها و بارها از آن به عنوان یک مایه ی فتنه یاد شده و نوشیدن آن به دور از حکمت

ه عنوان مثال در کتاب امثال سلیمان 20 : 1 آمده است : .. و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست و در امثال 23 : 20 چنین آمده است : از زمره ی میگساران مباش ( این مطلب در جاهای زیادی ذکر شده است به عنوان نمونه اشعیا 28 : 7 ، امثال 23 : 29-35 ، اشعیا 28 : 1 ، اشعیا 5 : 11 و ... )  
اما در کمال تعجب می بینیم که مسیح که باید اسوه ی زهد باشد و از این گونه امور ( که حتی اگر حرام هم نباشد بدون شک کاری ناپسند و بدور از شان یک بزرگ مرد است ) میرا باشد خود شراب می نوشد !

در انجیل متی 11 : 19 آمده است : پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد ، می گویند اینک مردی پرخور و میگسار و دوست باجگیران و گناهکاران است .  
و در انجیل لوقا 22 : 16 – 17 آمده است : پس پیاله ای گرفته شکر نمود و گفت این را بگیرد و در میان خود تقسیم تقسیم کنید زیرا به شما می گویم تا ملکوت خدا نیاید از میوه ی مو دیگر نخواهم نوشید

و حتی یکی از معجزات مسیح نیز تبدیل آب به شراب است !!

در انجیل یوحنا 2 : 1 – 9 داستان این معجزه چنین آمده است : و در روز سوم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود و عیسی و شاگردان را نیز به عروسی دعوت کردند و چون شراب تمام شد مادر عیسی بدو گفت شراب ندارند ... عیسی بدیشان گفت قدحها را از اب پر کنید و آنها را لبریز کردند پس بدیشان گفت الآن بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید پس بردند و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود بچشید ....

آنچه گذشت بخشهایی از شخصیت عیسی مسیح در انجیلهای است . بدون شک هر کسی اگر تعصب را کنار بگذارد در می یابد که این صفات در مورد حضرت عیسی حقیقت ندارد و ساختگی است و به عقیده ی من سازندگان این داستانها کسانی بودند که در نظر داشتند با پایین آوردن شخصیت مسیح و طبیعی جلوه دادن این ضعفهای مفرط بر اعمال خود سرپوشی بگذارند

منبع: <http://rahemasih.blogfa.com/post-39.aspx>

وقتی شخصیت پیامبری اینچنین معرفی می شود، دیگر چگونه می توان او را به عنوان پیامبر، راهنما حتی خدا نام برد و بر او اعتماد کرد. فردی که دروغ می گوید آیا می توان بر او و حرفهایش اعتماد کرد.

دینی که نمی تواند پایبند به اخلاقیات باشد از درستی و حقیقت بدور است. چگونه این دین می تواند برای انسانیت رشد و کمال بیاورد. این چهره و شخصیت های پیامبران را در کتابهای مقدس با قرآن خوب مقایسه کنید. سراسر قرآن پر از احترام و کمال ادب با پیامبران برخوردار کرده است در حالیکه در کتابهای مقدس آنها را زناکار، دروغگو، خیله گر معرفی می شوند که با افتخار این اعمال انجام می دهند.